



چهل سال قبل کجا بودیم امروز کجا ایستاده‌ایم؟

در این گزارش خواهیم کوشید داشته‌های ملت ایران پس از گذشت چهل سال از پیروزی انقلاب اسلامی در حوزه‌های مختلف از جمله «استقلال کشور»، «مردم‌سالاری و حاکمیت مردم»، «تولید علم و فناوری»، «پیشرفت‌های اقتصادی»، «آزادی» و «رشد معنویت» را با دوره پهلوی مقایسه کنیم تا مشخص شود کجا بوده‌ایم و امروز کجا ایستاده‌ایم.

در این گزارش خواهیم کوشید داشته‌های ملت ایران پس از گذشت چهل سال از پیروزی انقلاب اسلامی در حوزه‌های مختلف از جمله «استقلال کشور»، «مردم‌سالاری و حاکمیت مردم»، «تولید علم و فناوری»، «پیشرفت‌های اقتصادی»، «آزادی» و «رشد معنویت» را با دوره پهلوی مقایسه کنیم تا مشخص شود کجا بوده‌ایم و امروز کجا ایستاده‌ایم.

استقلال کشور و عزت مردم

استقلال کشور و عزت مردم یکی از اصلی‌ترین شعارهای انقلاب اسلامی ملت ایران بود، مداخله گسترده کشورهای غربی در امور ایران تا به جایی در دوره پهلوی گسترش یافته بود که دیگر کسی منکر آن نبود. پهلوی خود در جلسات خصوصی از مداخلات گسترده غربی‌ها در امور ایران گلایه می‌کرد ولی در عیان دستورالعمل‌های رسیده از اربابان را جامه عمل می‌پوشاند، مروری بر خاطرات شخصیت‌ها و رجال عصر پهلوی خود موید این واقعیت است.

اسدالله علم نخست وزیر و وزیر دربار که خاطرات روزانه او چهره‌ها را بدون روتوش از پهلوی ارائه می‌دهد می‌نویسد: «از مدت‌ها پیش شکایت داشته‌ام عمال بیگانه در دولت، بانک مرکزی، سازمان برنامه و بسیاری از وزارتخانه‌ها نفوذ کرده‌اند. شاه با این همه گزارش‌های اطلاعاتی که دریافت می‌کند، این حقیقت را نادیده می‌گیرد. این ما هستیم که تحت فشار قرار داریم نه طرف مقابل. وقتی خزانه خالی است چگونه می‌توانیم وارد جنگ اقتصادی شویم؟»

این بخش از خاطرات اسدالله علم به عیان نشان می‌دهد که خود رژیم پهلوی معتقد و اطلاع داشته است که عمال بیگانه در تمامی شئون کشور از دولت گرفته تا بانک مرکزی و سازمان برنامه نفوذ کرده و استقلال کشور در خطر جدی قرار گرفته است ولی به اطلاعاتی که دست او در این زمینه می‌رسید واقعی نمی‌گذاشت و از کنار آن به سادگی عبور می‌کرد.

خاطرات رجال پهلوی به عیان عمق وابستگی ایران به غرب در این دوره از تاریخ کشور را نشان می‌دهد، وابستگی در این دوره تا بدان حد طبیعی و عادی بود که روزنامه‌ها و مجلات نزدیک به حکومت در پاسخ به اعتراضات مردمی آن را توجیه می‌کردند، به عنوان نمونه مجله خواندنی‌ها در شماره 13 تیر 1340 می‌نویسد: «گویند آمریکایی‌ها در تمام شئون سیاسی و اقتصادی و مالی ما مداخله می‌کنند، من کار ندارم به اینکه بیچاره آمریکایی‌ها بعد از هزار میلیون دلار وام و کمک به تصدیق خودمان، آیا باید حق این را داشته باشند که به اندازه یک دهم هم پیمان خشک و نم پس نده انگلیسی‌مان در کارها و با لاف در طرز خرج نظارت و به قول [منتقدان] مداخله داشته باشند یا نه؟»

اینکه آمریکا در امور ایران مداخله می‌کرده است حرف امروز و پس از گذشت نزدیک به چهار دهه نیست، مقامات رژیم پهلوی نیز به این مهم معتقد بوده و هرگاه فرصتی به دست می‌آوردند از آن سخن می‌گفتند و گلایه می‌کردند، به عنوان نمونه احمد آرامش که مدتی وزیر مشاور و رئیس سازمان برنامه ایران در دولت شریف امامی و پیش از روی کار آمدن علی امینی شخصیت وابسته به آمریکا در تیرماه 1340 طی سخنانی می‌گوید: «مخالفت من فقط با سیاست جانکاه ده ساله گذشته آمریکا است... سال‌هاست که دولت آمریکا با تمام قوا ولی با عناوین به ظاهر فریبنده در تمام شئون زندگی ما دخالت کرده و انگشت دارد و هر زمان به طریقی برای ما حادثه آفریده و تعیین سرنوشت می‌کند، تمام وزارتخانه‌ها و بنگاه‌های تجاری و اقتصادی و عمرانی وابسته به دولت ایران زیر نظر ماموران و نمایندگان مختلف آمریکایی قرار گرفته و آنان در غالب جاها نه تنها به عنوان مشاور و مستشار بلکه به صورت دستوردهنده و کارفرما در زندگی ما مداخله می‌کنند. اقتصاد کشور به وسیله عوامل و ایادی داخلی و خارجی دولت آمریکا به کلی درهم ریخته و اکنون وضع به شکلی درآمده که طبق اظهار آقای نخست وزیر هم دستگاه اقتصادی دولت در آستانه ورشکستگی است و هم ملت و ما هر روز ناگزیر هستیم که دست تکدی به سوی آمریکا و آمریکائیان دراز کنیم و برای گرداندن چرخ زندگی خود از آنان قرضه و اعتبار بگیریم.»

امروز نزدیک به چهار دهه از سقوط رژیم می‌که همه مقدرات ایران اسلامی را تحت حاکمیت و نظارت غرب و به ویژه آمریکا قرار داده بود می‌گذرد، استقلال و عزت ایران در دوره پس از انقلاب اسلامی زبانزد خاص و عام است، در جنگ تحمیلی و در حالی که ابرقدرت‌های شرق و غرب از رژیم بعث صدام حمایت می‌کردند ایران اسلامی

تنهای تنهای تنها و استقلال هر چه تمام در برابر تهاجم بیگانه ایستاد، اقتصاد و سیاست داخلی و خارجی خود را به خواست بیگانه گره نزد و امروز هر چه در کشور می‌گذرد محصول خواست و تصمیم ملت ایران است و یکی از شعارهای اساسی ملت ایران در دوره انقلاب یعنی استقلال؛ اقتصاد؛ تحقق پیدا کرده است.

قدرت نظامی و پیروزی‌های منطقه‌ای؛ ارتش ایران که رضاشاه بدان می‌بالید و به اتکای آن یک دیکتاتوری تمام‌عیار در کشور حاکم کرده بود شهریور 1320 و به دنبال حمله متفقین بدون هیچ‌گونه مقاومتی سلاح بر زمین گذاشت و عقب نشست، نیروهای نظامی ایران امروز حافظ استقلال و تمامیت ارضی ایران هستند. در دوره پهلوی رژیم که به قدرت نظامی خود اطمینان نداشت در برابر زیاده‌خواهی‌های غرب استقلال و تمامیت ارضی کشور را وجه‌المصالحه قرار می‌داد، از جایی عقب‌نشینی می‌کرد تا جای دیگری را به دست آورد و یا بیشتر از آن از کف ندهد ولی امروز نیروهای نظامی ایران آمریکا را در خاورمیانه زمین گیر کرده است.

در حالی که آمریکا با فتنه به وجود آمده در سوریه گمان می‌کرد این کشور را از محور مقاومت جدا کرده بود حضور مدافعان حرم این اجازه را به او نداد و امروز ایرانی‌ها؛ هزاران کیلومتر آن سوتر از مرزهای ایران مقابل تروریست‌ها که سربازی آمریکا را بر عهده دارند ایستاده و آنان را متواری ساخته‌اند. نیروهای نظامی ایران پس از پیروزی انقلاب اسلامی حافظ استقلال و تمامیت ارضی کشور بوده‌اند تا جایی که امروز قدرت موشکی ایران آمریکا را به هراس انداخته و نگران ساخته است. حضور در طفار با دستور انگلیس!

ارتش ایران در دوره پهلوی و با دستور مستقیم شاه و به درخواست پادشاه عمان در طفار برای مقابله با چریک‌های جدایی‌طلب چپ‌گرا در این منطقه مداخله نظامی کرد. حضور نظامی ایران در تغییر وضعیت به سود پادشاهی عمان و سرکوب شورش طفار نقش داشت.

نظامیان ایرانی به استعداد زیر وارد عمان شدند:

32 فرزند بالگرد بل 205 و 206

14700 تفنگدار دریایی ایران

10 فرزند اف 4

3 فرزند سی 130

تعداد نامعلومی بالگرد آ ج 1 کبری

نیروهای ایرانی در درگیری مستقیم با شورشیان حضور داشتند و در سرکوب آنها نقش بسزایی ایفا کردند اما آن روی سکه این جنگ فاجعه‌زبان؛ ای تکان‌دهنده برای ایران بود:

- تعداد تلفات ارتش عمان در جنگ: 187 کشته و 560 زخمی

- تعداد تلفات انگلستان: 24 کشته و 55 زخمی

- تعداد تلفات ایران: 720؛ 1404 زخمی

تلفات ایران نسبت به نیروهای انگلیس و حتی خود ارتش عمان تامل‌برانگیز است. در زمان شاه پرداختن به تلفات نیروهای ایرانی در روزنامه‌ها ممنوع بود و در یک مورد هم که نویسنده‌ای در روزنامه کیهان به تلفات بالای نظامیان ایرانی اشاره کرد بازداشت و به زندان محکوم شد!

با گذشت زمان ناگفته‌ها و خیانت‌های این جنگ بیشتر آشکار شد و مشخص شد که انگلیس نقش اساسی در کشیدن پای ایران به میدان نبرد عمان را داشته است.

طبق گزارش خبرنگار روزنامه که به طفار رفته بود نیروهای ایرانی که جلوتر از ارتش‌های انگلیس و عمان در نبردها حضور داشتند با نبرد سخت در کوهستان‌ها و دره منطقه را پاکسازی می‌کردند و آنگاه ارتش عمان و انگلیس منطقه پاکسازی شده را تحویل می‌گرفتند و در آن اردوگاه ایجاد می‌کردند!

این خود نشان می‌دهد که ارتش و نیروهای نظامی ایران در دوره پهلوی نه حافظ امنیت ملی و تمامیت ارضی کشور که پیشمرگ سلاطین منطقه و نیروهای انگلیسی بوده است!

نکته دیگر آنکه جمهوری اسلامی تنها حکومتی است که در دوران معاصر در حفظ تمامیت ارضی ایران موفق بوده است. در دوران قاجار و پهلوی بخش‌های مختلف و مهمی از ایران جدا شد؛ گرجستان، ارمنستان، هرات و افغانستان، بخش‌هایی از بلوچستان، ترکمنستان، ازبکستان، تاجیکستان و بحرین بخشی از این سرزمین‌ها هستند. حال آنکه در جنگ تحمیلی و برابر 8 ساله، یک وجب از خاک ایران هم به چنگ دشمن نیامد.

از دوره‌ای که خبری از انتخابات نبود

تا چهل سال مردمسالاری دینی

در رابطه با انتخابات و مردم‌سالاری؛ می‌توان فصل مجزایی نگاشت و آنچه که در دوره پهلوی ملت ایران شاهد آن بوده‌اند را با امروز مقایسه کرد ولی به اختصار بایستی به این نکته تاکید کرد که در دوره پهلوی اصولاً و به معنای واقعی آن انتخاباتی برگزار نمی‌شد.

اسدالله علم نخست‌وزیر و وزیر دربار پهلوی در خاطرات روز 15 فروردین 1354 با صراحت به تقلب در انتخابات دوره پهلوی اذعان کرده و می‌نویسد: «مطلبی نخست‌وزیر در کیش به من می‌گفت که خیلی جالب بود و فهمیدم عنوان رشوه را دارد. آن این بود که گفت هر کسی را از هر جا تو بخواهی من وکیل خواهم کرد. هر کس باشد، هیچ فکر نکن، به من بگو تمام می‌کنم.»

علاوه بر اسدالله علم هندرس، سفیر آمریکا در ایران نیز در گزارشی به وزارت امور خارجه این کشور پیرامون انتخابات مجلس هجدهم، به تعیین نمایندگان مجلس از بالا اشاره می‌کند، وی در این گزارش می‌نویسد: «علاء وزیر دربار اظهار داشت چند هفته پیش، اسدالله علم، رئیس املاک سلطنتی، به او گفته است به دستور شاه صورت اسامی عده‌ای را برای نامزدی نمایندگی مجلس تهیه کرده، شاه لیست مزبور را با اسامی نامزدهای نمایندگی از سوی زاهدی تطبیق داده و پس از یک دست کردن اسامی نامزدها، چند تن از نامزدها را جابه‌جا کرده است.»

حسین فردوست از نزدیک‌ترین دوستان شاه نیز در کتاب خاطرات خود بر این نکته اذعان دارد. وی می‌گوید: «یک کمیسیون سه‌نفره برای انتخابات مجلس در منزل اسدالله علم تشکیل می‌شد. منصور اسامی نامزدها را می‌آورد و با نظر علم مهر نمایندگی آنها تأیید می‌شد. پس از بررسی صلاحیت امنیتی و مطالعاتی این افراد، ترتیب انتخاب این اسامی داده می‌شد و به صورتی ظاهری، نام آنها از صندوق آرا بیرون می‌آمد.»

در جزوه‌ای که تحت عنوان «نخبگان و تقسیم قدرت در ایران» توسط سیا و برای آشنایی مقدماتی افرادی که به منظور مأموریت‌های مختلف سیاسی و جاسوسی از طرف آمریکا به ایران می‌آمدند تهیه شده است و در واقع یک مجموعه فشرده و نسبتاً جامع از ساخت جامعه ایران و نیروهای سیاسی و اجتماعی موجود در آن از دیدگاه مأموران و جاسوسان درجه اول می‌باشد آمده است؛ در طول ۱۲ سال گذشته مجلس آلت دست شاه بوده است و مقاصد شاه را برآورده می‌کرده است و تمام نمایندگان که با دقت به وسیله شاه انتخاب می‌شوند حامی برنامه‌های شاه می‌باشند.»

امروز و با گذشت نزدیک به چهل سال از پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی سالی نبوده است که در ایران انتخابات برگزار نشود، در اولین ماه‌های پیروزی انقلاب اسلامی نوع نظام سیاسی کشور به رای عمومی گذاشته شد، پس از رای مردم به «جمهوری اسلامی»؛ مردم بار دیگر پای صندوق‌های رای رفته «نمایندگان مجلس خبرگان قانون اساسی» را انتخاب کردند، پس از تدوین قانون اساسی در یک فرآیند دیگر به آن رای دادند و در ادامه و در حالی که هنوز بهار 1359 نرسیده بود در دو انتخابات دیگر نخستین رئیس‌جمهور و نمایندگان مجلس اول را نیز انتخاب کردند.

ملت ایران در چهار دهه گذشته همواره برای تعیین سرنوشت کشور پای صندوق‌های رای رفته‌اند و همه مسئولین جمهوری اسلامی مستقیم و یا غیرمستقیم منتخب همین ملت هستند و کسی در این شک و شبهه‌ای ندارد.

از بی‌سوادی اکثریت مردم تا مرزهای علم و فناوری

در دوره پهلوی اکثریت ملت ایران بی‌سوادی بوده‌اند و رژیم جز مبارزه شعاری با بی‌سوادی که نتیجه اندکی داشته و قابل ملاحظه نبود کاری از پیش نمی‌برد، امروز و با گذشت نزدیک به چهار دهه از پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی ملت ایران مرزهای علم و دانش را درنوردیده و به پیشرفت‌های عظیمی نائل شده‌اند.

بی‌سوادی اکثریت ملت ایران در دوره پهلوی به آن حدی بود که امام خمینی (ره) در 7 دی 1358 طی پیامی جهت «مبارزه عمومی با بی‌سوادی» تأکید کردند: «از جمله حوایج اولیه برای هر ملت که در ردیف بهداشت و مسکن بلکه مهمتر از آنهاست آموزش برای همگان است. مع‌الأسف کشور ما وارث ملتی است که از این نعمت بزرگ در رژیم سابق محروم؛ و اکثر افراد کشور ما از نوشتن و خواندن برخوردار نیستند، چه رسد به آموزش عالی. مایه بسی خجلت است که در کشوری که مهد علم و ادب بوده و در سایه اسلام زندگی می‌کند که طلب علم را فریضه دانسته است، از نوشتن و خواندن محروم باشد.» (صحیفه امام، جلد ۱۱، صفحه ۴۴۶)

در حالی که نرخ باسوادی در سال 1355، ۲/۴۷ درصد بوده است این میزان در سال 1390، به ۲/۹۳ درصد رسیده است، در سال 1355، 47 هزار و 47 مدرسه دانش‌آموز می‌پذیرفت و در سال 1390، 91 هزار و 830 مدرسه مشغول فعالیت بودند.

در سال 55، 700 مرکز آموزشی فنی و حرفه‌ای در کشور فعالیت می‌کرد و این میزان در سال 1390 به 6 هزار و 983 واحد رسیده است.

پیش از انقلاب و در سال 1350 دو مرکز آموزش استعدادهای درخشان در کشور فعالیت می‌کرد و این تعداد در

سال 1390 به 670 مرکز رسیده است.

در حالی که سال 1355، 170 هزار دانشجو، در 223 واحد دانشگاهی تحصیل می‌کردند این میزان در سال 1390، به 4 میلیون دانشجو و 2540 واحد دانشگاهی رسیده است.

تعداد رشته‌های کارشناسی ارشد در دانشگاه‌های موجود کشور در سال 1355، 182 رشته و در سال 1390، 1033 رشته بوده است.

بر اساس گزارش موسسه بین‌المللی اطلاعات علمی (ISI)، تعداد مقالات علمی چاپ شده از محققان ایرانی در مجلات معتبر بین‌المللی در سال 1357، 450 مقاله و در سال 2012، 155/34 مقاله بوده است که نشانه‌ها و روندها در این حوزه است.

هم اکنون ما شاهد این هستیم که ایران در بسیاری از فناوری‌ها نه تنها خودکفا شده بلکه به کشور صادر کننده خدمات فنی مهندسی در حوزه‌های صنعت نفت، کشاورزی، بهداشت، سدسازی، تراکتورسازی، هسته‌ای، خودروسازی، سلول‌های بنیادین و ... تبدیل شده است.

در عرصه علوم نوین، دانشمندان ایرانی توانسته‌اند تا مرزهای جدید دانش بشری پیش روند و در مواردی از این مرزها نیز عبور کنند. موفقیت‌های دانشمندان ایرانی در زمینه‌های سلول‌های بنیادین، نانو تکنولوژی، مهندسی ژنتیک، علوم هسته‌ای، علوم فضایی و ... از این موارد است.

این آمار در بسیاری از حوزه‌های دیگر نیز قابل استخراج و بر اساس آن مقایسه پیش و پس از انقلاب است و آنچه ذکر شد نشان می‌دهد که ایران اسلامی با اکثریت شهروندان بی‌سواد در سالی که انقلاب اسلامی به پیروزی رسید امروز به اکثریت قریب به اتفاق با سواد رسیده است.

آمارها از اقتصاد می‌گویند

درباره اقتصاد دوره پهلوی و مقایسه آن با امروز، در فضای مجازی مطالب زیادی از سوی عاشقان سلطنت نوشته می‌شود که اکثر این نوشته‌ها یا ناشی از بی‌اطلاعی است یا به دلیل جاهل مفروض دانستن مخاطبانی که یا خود دوره پهلوی را ندیده‌اند و یا به منابع دست اول دسترسی ندارند.

در اکثر این نوشته‌ها با اشاره به قیمت ارزان اجناس در دوره پهلوی و مقایسه آن با امروز گفته می‌شود که در آن دوره ارزانی بوده و با انقلاب همه چیز گران شده است ولی گفته نمی‌شود آن برهه حقوق مردم و میزان اشتغال تا چه اندازه بوده است؟!

درباره ارزانی در دوره پهلوی نیز باید به قدرت خرید مردم و حقوق کارمندان نیز اشاره‌ها می‌گردد؛ این برهه قیمت‌ها پایین بوده ولی قدرت خرید مردم بسیار پایین‌تر از آن بوده است. به طور مثال درآمد کارمند عادی ماهانه 500 تا 1200 تومان بود (البته حقوق 1000 تومانی در سال‌های حدود 1348 به افراد بسیار محدودی اختصاص داشت) و قیمت پیکان در همین برهه 28 هزار تومان بود یعنی 28 برابر حقوق حداکثری یک کارمند!

بهرتر است به حقوق مستشاران خارجی و آمریکایی رژیم شاه در این برهه نیز توجهی داشته باشیم تا بدانیم در حالی که متخصصین و کارمندان ایرانی نهایتاً در سال 1348 هزار تومان حقوق می‌گرفتند در این برهه این مستشاران از بودجه دولت ایران چقدر به خود اختصاص داده بودند؛ عبدالله آذربزین جانشین فرماندهی نیروی هوایی ایران در دوره پهلوی در خلال چندین جلسه مصاحبه در سال 1388 می‌گوید: «بعضی از مستشارهایی که در این مرحله می‌آمدند، از نقطه نظر [کیفیت] و آگاهی به تخصص‌شان، زیاد جلوتر از شاگردان و متخصصان خودمان، که از خارج آمده بودند، نبودند. آن روزها چیزی در حدود شش، هفت هزار تومان به افسرهای مستشاری می‌دادند»؛

درآمدهای نفتی و میزان جمعیت

درآمد نفتی ایران از سه میلیارد دلار در سال 1332 به 53 میلیارد دلار در سال 1356 رسید و درآمد سرانه نیز در این مدت به 11 هزار و 514 دلار افزایش پیدا کرد با این وجود در بخش‌های فقیر جامعه، فقر هر روز بیشتر و شکاف طبقاتی عمیق‌تر می‌شد.

تنها ده درصد از درآمد سرشار نفت و کمتر از 15 درصد از کل واردات به امر توسعه اختصاص می‌یافت، شرکت ملی نفت به صورت محرمانه ولی دائمی مبلغ کلانی به حساب شخصی شاه واریز می‌کرد. به گونه‌ای که سرمایه شخصی شاه به یک میلیارد دلار رسیده بود. با این سرمایه‌ها نهادهایی اداره می‌شد که آنها نیز هدفی جز سلطه بیشتر حکومت بر تمامی ابعاد زندگی مردم نداشتند.

بر اساس آمار بانک جهانی، 46 درصد مردم ایران در سال 1356 زیر خط فقر بودند و ضریب جینی در ایران قبل از انقلاب بیش از 45 بوده است.

امروز نزدیک چهل سال از آن روزها می‌گذرد و با وجود مشکلات اقتصادی که مسئولین بایستی برای حل این مشکلات کمر همت ببندند وضعیت اقتصادی و رفاه مردم بسیار بهتر از دوره پهلوی است.

آزادی دستاوردی که

انقلاب نصیب ملت ایران کرد

در حالی که در دوره پهلوی حتی مقامات و مسئولین کشور جرات این را نداشتند که سخنی بگویند مبدا

و در نتیجه همیشه مراقب سخن گفتن خود بوده‌اند؛ امروز روزنامه‌ها و رسانه‌ها؛ کنترل رسانه‌ها؛ مکتوب اعم از روزنامه‌ها و کتاب‌ها؛ توسط ساواک پیردازیم تا مشخص شود که در این برهه زبان‌ها برای گفتن و قلم‌زنان‌ها برای نوشتن تا چه اندازه محدود بوده‌اند. با آغاز ریاست نصیری بر ساواک، سانسور مطبوعات گسترش یافت، در دهه‌های 50-1340، مطبوعات و روزنامه‌ها از محتوی عاری شدند؛ در همان حال روزنامه‌نگاران و ارباب مطبوعات، تحت مراقبت‌های دائمی ساواک قرار گرفتند. دوران نخست‌وزیری امیرعباس هویدا (1356-1342) سخت‌ترین برهه سانسور و کنترل سازمان یافته مطبوعات و روزنامه‌ها را تجربه کرد و ارباب مطبوعات و نویسندگان جرأت، تنها در چهارچوب تعیین شده از سوی ساواک و مجموعه حاکمیت قلم‌فرسایی می‌کردند. مطبوعات همواره سایه سنگین ساواک را بر فعالیت‌های خود احساس می‌کردند. آن چه در نشریات منعکس می‌شد، در درجه اول ارائه تصویری غیرواقعی، تحسین‌آمیز و ستایش‌گرانه از شخص شاه و دربار بود. چنین القا می‌شد که کشور تحت هدایت‌های شاه به سرعت در مسیر توسعه و تعالی قرار گرفته و مخالفان حکومت جز جلوگیری از این حرکت قصدی نداشته و بنابراین محکوم به شکستند. به عبارت دیگر مطبوعات تنها مواردی را منعکس می‌کردند که خوشایند ساواک، دربار، شاه و مجموعه حاکمیت بود.

امروز و با گذشت چهل سال از پیروزی انقلاب اسلامی نگاهی به پیشخوان روزنامه‌ها؛ فروش‌های‌ها؛ نشان می‌دهد که صدها روزنامه، مجله و نشریه مشغول فعالیت هستند و هر چه می‌خواهند می‌نویسند و حتی برخی روزنامه‌ها؛ زنجیره‌ها؛ ای در نبود نظارت کافی جرات به خود راه داده به مقدسات حمله‌ور شده و امنیت ملی کشور را مورد تهاجم نیش زبان و قلم خود قرار می‌دهند. رشد دینی و معنوی

در دوره پهلوی رژیم عامدانه فساد را در بین جوانان و نسلی که آینده ایران به دست آنان چشم دوخته بود رواج می‌داد، کافی است به سخنان رجال عصر پهلوی نگاهی بیندازیم تا واقعیت برای همگان عیان شود.

علی‌امینی نخست‌وزیر وقت 8 شهریور 1340 طی سخنانی گفته بود: «با نهایت تاسف باید گفت که ایمان و اعتقاد ما سست شده، اگر در ملتی ایمان مذهبی یا ملی قوی باشد هیچ بیگانه‌ها؛ ای نمی‌تواند به آن ملت راه یابد.»

امینی در جمع مردم گفته بود: «متأسفانه باید گفت که فساد محیط ما از همان خانواده‌ها شروع می‌شود و رکود اخلاقی و اختلاط تمدن‌های داخلی و خارجی تمام اصول زندگی ما را به هم زده است فیلم‌های فاسد و خراب و مناظر مستهجن پاک اخلاق اطفال و جوانان ما را فاسد کرده باید با فساد اخلاق که از مجلات خراب نیز ناشی می‌شود مبارزه کرد.»

وی همچنین گفته بود: «مایه ننگ است که در مملکت اسلامی دولت‌ها؛ برای افزایش درآمد خود مصرف تریاک و یا الکل را تجویز کنند. در حال حاضر اکثر جوان‌ها؛ ما مشروب‌ها؛ خوار شده‌اند و این قسمتی از مشکلات جامعه ما است.»

شهریور 1340 علی‌امینی نخست‌وزیر وقت از انتشار فیلم‌ها؛ و مجلات مستهجن انتقاد کرده و می‌گوید این روند باعث فساد اخلاقی جوانان این کشور شده است، کافی است بدانیم که از این سال‌ها؛ روند انتشار فیلم‌ها؛ و مجلات مستهجن و به صورت عمومی گسترش بی‌سابقه‌ها؛ ای یافت. در حالی که نشریات از انتشار خبرهای روز کشور خودداری می‌کردند و یا ساواک مانع آنان می‌شد روزی نبود که نشریاتی مانند «خواندنی‌ها»؛ «تهران مصور»؛ «سیپید» و «سیاه» و دهها نشریه دیگر با صفحات روی جلد مبتذل و مستهجن منتشر نشوند و جوانان را به فساد سوق ندهند.

امروز چهل سال از آن روزها می‌گذرد، پیشرفت معنوی امروز قابل مقایسه با دوره پهلوی که فساد سازمان یافته از سوی رژیم بر مردم تحمیل می‌شد نیست، جوانان این مرز و بوم در دهه شصت غسل شهادت می‌کردند و برای دفاع از وطن به جبهه‌ها؛ می‌رفتند، زمانی که این جوانان با امام دیدار می‌کردند از ایشان تقاضا می‌نمودند دعا کند تا به شهادت برسند، امروز و در دهه نود شمسی همین مردم آرزو می‌کنند که به آنان اجازه داده شود به سوریه رفته و از حرم اهل بیت دفاع کنند.

مقایسه امروز با دوره پهلوی در همه عرصه‌ها؛ نشان‌دهنده پیشرفت شگفت‌انگیزی است که به برکت اسلام نصیب ملت ایران شده است، بی‌شک در این زمینه گفتنی‌ها؛ فراوانی هست که در گنجایش این نوشتار نیست و امروز بایستی داشته‌ها؛ ایمان را قدر بدانیم و برای حل مشکلات موجود کشور کمر همت ببندیم و مسلم است که هیچ مشکلی جز با دستانتوانمند ایرانی و بدون اتکا به بیگانگان قابل حل نیست.